

# لزوم تدوین منشور مرمت یزد

محمد حسینی

کارشناسی ارشد مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی



تصویر شماره ۱: منظر آرگ بم در بستر طبیعی، عکس از نگارنده، ۱۳۹۴

## جای گاه مرمت در ایران

از معنای مرمت، مسیر حفاظت از سرمایه‌های فرهنگی کشورمان را هموار می‌کند.

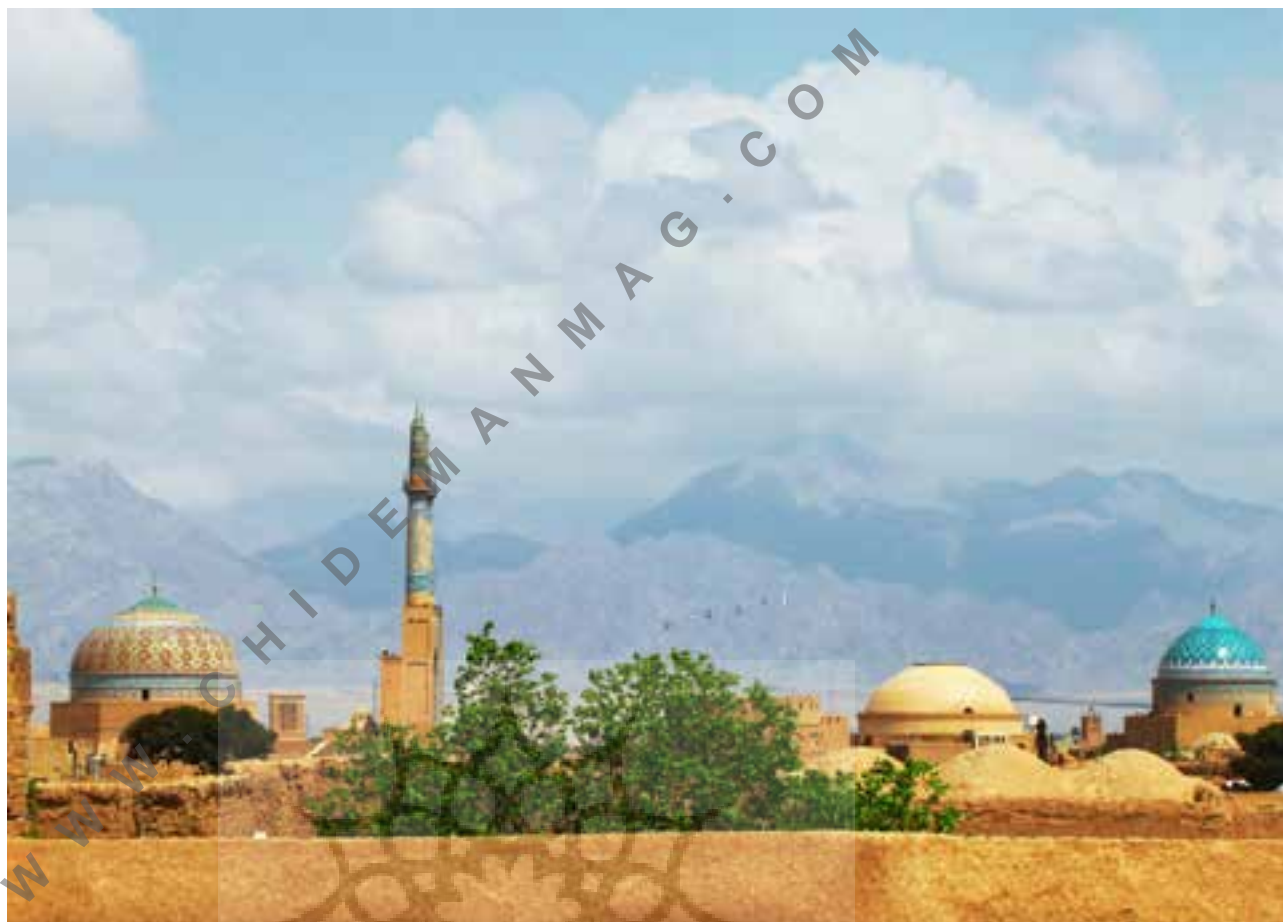
گذر زمان، با فرسایش ابنیه همراه بوده که عوامل مختلف انسانی، اجتماعی، کالبدی و... سرعت آن را افزایش داده و سبب بروز تغییراتی در ابنیه می‌گردد؛ مرمت به معنای عام خود، یعنی افزایش عمر یک اثر و مرمتگر کسی است که با مدیریت تغییرات در ابعادی که ذکر شد، تطویل عمر اثر ارزشمند را تضمین کند. از این رو مرمت امری بین رشته‌ای بوده و لازم است از جنبه‌های کالبدی فراتر رفته و در آن از تخصص‌های مختلف بویژه گرایش‌های علوم انسانی (مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و...) بکار گرفته شود.

«استفاده مجدد از بناهای تاریخی به عنوان رویکردی برای سیاست توسعه درونی شهری، طی دهه‌های اخیر موضوع ادبیات حفاظت از بافت‌های تاریخی بوده است. در این رویکرد با استفاده از بناهای تاریخی به عنوان پتانسیلی برای محرک توسعه، با اعطای کاربری مجدد و بازگرداندن حیات عملکردی به این ساختارهای بارز، از زوال این عناصر ارزشمند و همچنین بافت دربرگیرنده آن‌ها جلوگیری شده و با ارتقاء سطح کیفی شاخصه‌های زیستی، اقتصادی و اجتماعی این ساختارها، حیاتی مجدد به بافت‌های تاریخی داده می‌شود.

تمدن ایران، تنوع فرهنگی بالایی دارد. شمال و جنوب و شرق و غرب کشور، مملو از گونه‌های مختلف معماری و شهرسازی متناسب با اقلیم و بوم همان خطه می‌باشد. اهالی سرزمین ایران چنین بستری را خلق نموده‌اند که امروزه با تعبیر میراث ملموس و ناملموس از آن‌ها یاد می‌شود. در واقع، سرزمین ما امانتی است که نسل به نسل و سینه به سینه به دستمان رسیده؛ که سبب می‌گردد مسئولیت خطیری در محافظت، معرفی و انتقال این امانت به نسل‌های بعدی بر دوشمان باشد.

در گذشته، توسعه و تعمیر ابنیه، با شناخت کافی نسبت به نیازها، ابزارها، روش‌های مداخله و همچنین در نوع به کارگیری مصالح، فنون استادکاری، طرح و ایده معماری بنا و از همه مهم‌تر متناسب با زمانه و زمینه خود، صورت می‌گرفته است. به عبارت دیگر، اصالت بنا، حدود مداخله (از حفاظت صرف تا تخریب) در آن را تعیین می‌کرده است. الگوی معماری آثار باقی مانده از دوره‌های مختلف تاریخی، گواه این مدعاست. از این رو می‌توان گفت که هر منطقه (بوم) یا توجه به بستر زمانی قرار گرفته در آن، روش‌های مرمتی خاص خود را نیز می‌طلبد. از این رو، درک صحیح





تصویر شماره ۲: خط آسمان شهر تاریخی یزد، عکس از نگارنده ۱۳۹۵

محدوده تاریخی شهر یزد، طی توسعه سال‌های اخیر، توسط بخش جدید شهر محاصره شده است. بالاتر بودن استاندارد زندگی (دسترسی‌ها، خدمات شهری، امکانات رفاهی تفریحی، بالاتر بودن میزان درآمد و...) عوامل بر هم زدن تعادل در شهر می‌باشد که ریشه آن را می‌توان از خانه‌ها و در سبک زندگی امروزی، جستجو کرد. بررسی معماری خانه‌ها تا دوره پهلوی حکایت از الگوی زندگی سازگار با اقلیم و فرهنگ یزد دارد. خانه‌های درون گرا با حیاط مرکزی در مقایسه با خانه‌های برون‌گرا و حیاط‌های یک طرفه گواه این مدعاست.

با این وجود، مدیریت هوشمندانه مردم با تدبیر و چاره‌اندیشی مدیران شهری، منجر به حفظ بافت با همه اجزای خود شده است. تا جایی که بافت تاریخی، همگام با تغییراتی که در بنیان فرهنگ و جامعه ما صورت گرفت، خود را با این تغییرات وفق داده و ساختار کالبدی و کارکردی آن از هم نپاشیده است. مرمت و احیاء خانه لاری‌ها و استقرار سازمان حفاظت آثار باستانی (دهه ۶۰)، تبدیل حمام خان به رستوران سنتی، تغییر کاربری خانه رسولیان به دانشکده هنر و معماری یزد (دهه ۷۰)، استفاده مجدد از خانه زرگر یزدی به هتل، (دهه ۸۰)، موج تبدیل خانه‌های سنتی به اقامتگاه بوم گردی در دهه ۹۰ و بسیاری دیگر از این دست، مبین سازگاری خانه‌ها، محلات و بافت تشکیل دهنده از آن‌ها با تغییرات و سبک زندگی دنیای امروز می‌باشد. اما در بسیاری دیگر از خانه‌ها نیز، زندگی تداوم یافت و در همین جهت، تغییراتی را در حوزه کالبد، در خود پذیرفت. اگرچه

مداخله برای تبدیل کاربری یک بنای تاریخی را در دو دسته می‌توان بررسی نمود: اعمال تغییرات در بنای تاریخی به منظور حفظ کاربری پیشین که همان سازگاری را شامل می‌شود و تبدیل در بنای تاریخی به منظور تغییر کاربری ساختمان که طیف گسترده‌تری از مداخلات را در بر خواهد گرفت. با این تفاسیر می‌توان این گونه گفت که سیاست مواجهه با بناهای تاریخی باهدف حفظ کاربری پیشین، دربرگیرنده کلیه اقدامات حفاظتی خواهد بود که موجب استمرار حیات کالبدی و عملکردی بنای تاریخی شده و روند زوال ساختار تاریخی را به حداقل برساند<sup>[۱]</sup>.

#### مرمت در شهر تاریخی یزد

یزد شهری است که زندگی در سه مرتبه آن اتفاق می‌افتد. قنات‌ها و آب‌انبارها و پایاب‌هایی در زیر زمین، تالار و اتاق‌های سه دری و پنج دری و ارسی‌هایی با شیشه‌هایی رنگی، حیاط‌های مشجر و حوضی که آینه آسمان است، همگی با هم و هرکدام به تنهایی، جلوه‌گر بهشت در دل کویر می‌باشند. یزد شهری است که تماشای آسمان کویر بر بام خانه‌های آن با چشم‌اندازی از بادگیرها و مناره‌ها و گنبد‌ها لذت‌بخش است. آری برآستی یزد شهر قنات و قنوت و قناعت است.

۱- علومی، احمد، و پیروز حناچی. ۱۳۹۴. "اصول سیاست‌های مداخله در ساختارهای تاریخی." هشتمین کنفرانس بین‌المللی رشد و توسعه شهری و حفاظت بافت تاریخی در حوزه اوراسیا، تهران.





تصویر شماره ۳: خانه استبرق، محله شاه ابو القاسم، جریان زندگی در خانه دوره پهلوی-عکس از نگارنده

گردشگران و استفاده مجدد از ابنیه در خدمت به آنها می دانست. همزمان با این رویکرد اقداماتی نظیر طرح های تجمیع و ساخت مجمع های مسکونی در بافت تاریخی یزد نیز صورت گرفت با هدف بازگشت مجدد زندگی به بافت بود؛ اما در برابر جریان گردشگری که به نوعی صنعت پول ساز تبدیل شده بود، به چشم نمی آمد.

آغاز گر جریان مرمت و احیاء ابنیه (به طور مشخص خانه ها) با تغییر کاربری آنها به استفاده های آموزشی و اداری و همراه بود اما با تحکیم روابط سیاسی ایران با سایر کشورهای دنیا و افزایش حضور گردشگران، با نوعی تغییر رویکرد مواجه شدیم؛ رویکردی که تنها راه نجات بافت تاریخی را از متروکه و مخروبه شدن، حضور





تصویر شماره ۴: نمونه‌ای از تغییر کاربری به هتل و رستوران سنتی در یزد-عکس از نگارنده

از این رو، لزوم تدوین منشور مرمت یزد، ضرورت پیدا می‌کند. خوشبختانه، یزد از لحاظ متخصصین و کارشناسان مرمت و حفاظت غنی بوده و سرمایه‌های ارزشمندی چه به لحاظ معماران، استادکاران، بنایان و کارگران سنتی و همچنین مدیران شهری و با تجربه را دارا می‌باشد و این فرصتی استثنایی در جهت حفاظت از شهر تاریخی یزد است. با توجه به ثبت جهانی شهر تاریخی یزد منشور مرمت یزد می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر شهرها قرار گیرد. ■

اما آنچه واضح است، نقش اصلی اهالی بومی، در حفظ و نگهداری خانه‌ها، محلات و شهر تاریخی یزد است. چراکه ساکنین علاوه بر حفظ کالبد و حفظ سرپناه، زندگی و فرهنگ سکونت در این خانه‌ها رونیز حفاظت می‌کنند و می‌توانند احیاگر جریان تولید در خانه‌ها باشند.

و فور اینیه ارزشمند بویژه خانه‌های تاریخی (از دوره ایلخانی تا پهلوی) و همچنین مسئله مالکیت آنها که عمدتاً در اختیار بخش خصوصی است، سبب شده تا ارگان‌های دولتی و متولیان مرمت و احیاء در شهر، اکثراً ناظر بر جنبه‌های کمی و کالبدی آن باشند و جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و به طور کلی فراکالبدی مرمت مغفول و یا کمتر مورد توجه قرار داده شود.

از مهمترین تفاوت‌های مرمت با بحث نوسازی، تدریجی بودن آن است؛ که می‌بایست با صبر و حوصله و در فصل و زمان مناسب انجام گیرد. اما متأسفانه امروزه تسریع در انجام امور مرمت اینیه تاریخی، منجر به عدم نظارت کارآمد بر نحوه طراحی، اجرا و بعضاً واگذاری امور مرمت به پیمانکارانی که اغلب تخصص و تعلق لازم به امور مرمتی ندارند، شده است. این عوامل، سبب تنزل کیفیت مرمت، مستندسازی ضعیف فرآیند پروژه و مستندات به مربوط به بنا و در نهایت نوعی برخورد سلیقه‌ای در این حوزه شده است.